

## تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد دهقان

### چکیده

اثیرالدین اخسیکتی، شاعر پارسیگوی اواخر قرن ششم هجری و از شاعران ورزیده طبع و چیره‌زبان در ایجاد معانی و مضامین نو و از قصیده‌سرایان معروف زبان فارسی است که در اخسیکت از محال فرغانه ماورالنهر می‌زیسته است. دیوان این شاعر، تنها یک بار، آن هم در مرداد ماه ۱۳۷۷، توسط استاد رکن‌الدین همایونفرخ، تصحیح شده و به چاپ رسیده است. این چاپ شامل مقدمه‌ای در شرح احوال شاعر، روش تصحیح و بازنویسی مطالب تذکره‌نویسان درباره اثیر اخسیکتی است. با اینکه مصحح چند نسخه خطی را با یکدیگر مقابله و مقایسه کرده و در تصحیح آن زحمات فراوانی کشیده است <sup>۱۴۹</sup> به دلیل تأخیر نسخه‌های مقابله شده و نیز بدخوانیها و ناخوانیهای متعدد مصحح از نسخه اساس و نیز حذف و جابه‌جایی مصاربع، بسیاری از ابیات این دیوان، همچنان مبهم و مشکوک باقی مانده است و بسیاری از اشعار نیز کاستیهای فراوانی دارد. نگارنده با دسترسی به چند نسخه کهن از دیوان این شاعر و مطابقه و مقایسه آن نسخ با نسخه چاپی، شمار فراوانی از تحریفات، تصحیفات، اغلاط، ابهامات، تعقیدات و اختلالات وزنی این دیوان را تصحیح، و برخی از آن ابیات را در این مقاله ارائه کرده است؛ کلماتی چون «مضا»، «وغا»، «غریم»، «اسل»، «نعیب» و «اوبار» که با تحریف و تبدیل به صورت «قضا»، «دغا»، «عظیم»، «عسل»، «به‌عیب» و «ادبار» درآمده است. **کلید واژه‌ها:** دیوان اثیر اخسیکتی، شعر فارسی، تصحیح نسخه‌های خطی، تحرف و تصحیح در نسخه‌های خطی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۲۰

مقدمه

ابوالفضل محمدبن ابی‌طاهر از شعرای پارسیگوی اواخر قرن ششم و از مشاهیر شعر و ادب فارسی است. وی در اشعارش خود را اثیر و گاه اثیراخصیکتی نامیده است (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۵۳۲). نسبت او به اخصیکت از شهرهای فرغانه، واقع در ماورالنهر است. اثیرالدین در بیشتر قالبهای شعر فارسی، طبع‌آزمایی و هنرنمایی کرده، اما هنر اصلی او بیشتر در قصیده‌سرایی است و سخن‌سنجان، وی را از قصیده‌سرایان تراز اول به‌شمار آورده‌اند. وی با برخی از شاعران معاصر خویش، مناظراتی داشته و میان او و خاقانی و مجیر بیلقانی کار به تعریض و هجو نیز کشیده است (صفا، ۱۳۷۳: ۷۰۹/۲).

اثیر در آوردن ردیفهای شعر دشوار، ترکیبهای تازه، آفریدن مضامین نو و به کارگیری صنایع ادبی و بهره‌گیری از دانشهای فراوان خود، مهارت نشان داده است؛ لیکن پایبندی وی به آوردن مضامین دشوار و بهره‌گیری از اصطلاحات علمی و فلسفی، موجب دیریابی معانی برخی از ابیات او شده و از جذابیت و ملاحظت آنها کاسته است (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۵۳۳). برخی در مقام داوری، شعر او را برتر از انوری و خاقانی دانسته‌اند (دولتشاه، ۱۳۳۶: ۹۶ و همایونفرخ، ۱۳۳۷: ۷۵)، ولی به گفته دولتشاه: «انصاف آن است که هر یکی از این سه فاضل را شیوه‌ای است که دیگری را نیست: اثیر، سخن را دانشمندانه می‌گوید و انوری سخن را نیکتر رعایت می‌کند و خاقانی از لحاظ طمطراق لفظ بر همه تفضیل دارد» (دولتشاه، همان). دیوان اثیراخصیکتی که شامل ۶۵۳۲ بیت است در مردادماه سال ۱۳۳۷ از سوی کتابفروشی رودکی به چاپ رسیده است و از آنجا که شمار ابیات دیوان او را تا هشت هزار بیت نوشته‌اند، آن چاپ دربردارنده تمام اشعار نیست. این چاپ، شامل مقدمه‌ای در شرح احوال شاعر، روش تصحیح و مطالب تذکره‌نویسان درباره اثیر در ۱۱۲ صفحه است. مصحح پس از جمع نظریات تذکره‌نویسان به استنتاج از شروح احوال یاد شده، سبک شعری اثیر و نیز معاصران و ممدوحان شاعر می‌پردازد. متن دیوان نیز شامل ۴۲۱۴ بیت از قصاید، ۱۳۶۱ بیت از غزلیات، ۵۵۷ بیت قطعه، ۲۴ بیت از مفردات، ۲۳۴ بیت ترجیعات و ۱۴۲ بیت از رباعیات است و در مجموع ۶۵۳۲ بیت از دیوان این شاعر را در بر دارد. در این تصحیح از چهار نسخه و یا مجموعه، مکتوب به قرن یازدهم و یک نسخه بدون تاریخ، متعلق به قرن دوازدهم و نیز نسخه‌ای مکتوب به سال ۱۲۶۱ (نسخه ص) استفاده شده است.

تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

نسخه یادشده به قلم کاتبی به نام محمد سرخوش در ربیع‌الثانی ۱۲۶۱ هجری نوشته شده، کاتب در پایان آن می‌نویسد: «به دست خط اقل‌الشعرا، محمدصادق سرخوش در ارض فیض قرین، مشهد مقدس صورت تحریر یافت، اما چون نسخه اصل به غایت مغلوط بود، ابیات خالی از غلطی نیست با اینکه نهایت دقت شد از خوانندگان التماس دعای خیری هست».

این نسخه به عنوان نسخه اساس مصحح در تدوین دیوان این شاعر بوده است. مصحح در مقدمه می‌نویسد: «با استفاده از نسخی که یاد شد، متن نسخه ص را که در صحت نسبت به سایر نسخ مزیت داشت، متن قرار داد و سایر اختلافات و اضافات نسخ دیگر را با آن سنجید و به آن افزود و تصحیح را به روش کارل لاخمان<sup>۱</sup> انجام داد» (مقدمه ص ۱۴).

قدیمترین نسخه موجود از دیوان اثیر اخسیکتی، مجموعه‌ای است با نام دواین سته، شامل اشعار شش شاعر مکتوب به سال ۷۱۳ هجری که ۵۷۸۵ بیت از اشعار این شاعر را در بردارد.<sup>۲</sup> این نسخه که اصل آن در کتابخانه ایندیا آفیس لندن نگهداری می‌شود، توسط علامه قزوینی در سال ۱۳۱۰ شمسی در قطع بسیار بزرگ عکسبرداری شده است. مصحح دیوان اثیر اخسیکتی در مقدمه دیوان می‌نویسد: «به راهنمای استاد ارجمند علامه دانشمند، جناب آقای مجتبی مینوی از آن مطلع و این نسخه برای مدت بسیار کوتاهی در اختیار نگارنده، قرار گرفت و متأسفانه چنانکه انتظار داشت، نتوانست به علت قلت مدت از آن استفاده کند و طی این مدت کوتاه، فقط توانست چند غزل و قطعه که در سایر نسخ نبود از آن استنساخ و رونویس کند که در دیوان حاضر هر جا از این نسخه استفاده شده است در زیر یادآوری گردیده و علامت س برای آن انتخاب شده است» (همایونفرخ، مقدمه، ص ۱۳).

چنانکه ذکر گردید، مصحح دیوان اثیر با وجود اطلاع از چنین نسخه نفیس (که در نفاست و ارزش این نسخه، علامه قزوینی مقدمه‌ای بر نسخه عکسی آن مرقوم کرده‌اند)، نسخه متأخر و مغلوط مکتوب به سال ۱۲۶۱ را که سرشار از اغلاط و تحریفات و تصحیفات است به عنوان نسخه اساس قرار داده و مجموعه‌ای از دیوان این شاعر را تدوین کرده است که بسیاری از ابیات آن همچنان مبهم، مشکوک، ناقص و محرف باقی مانده و مصحح نیز در حاشیه بسیاری از ابیات به عدم تصحیح نهایی و مغلوط و مغشوش بودن آن اشاره کرده است. نگارنده این سطور با در دست داشتن

نسخه اساس مصحح (مکتوب به سال ۱۲۶۱ هجری) که در فهرست نسخ خطی منزوی ذکر نشده و شامل دو دیوان از اشعار اثیراخیسکتی و اثیر اومانی است و نیز عکسی از نسخه مکتوب به سال ۷۱۳ هجری (به عنوان اقدام نسخ موجود از دیوان این شاعر) و نیز چند نسخه خطی دیگر از این شاعر از جمله نسخه مکتوب به سال ۹۹۶ هجری، متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه ۱۰۲۰ هجری، متعلق به کتابخانه ملی و نسخه‌ای با تاریخ کتابت ۱۰۳۹ هجری متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی، شامل ۲۲۶ صفحه و بالغ بر ۵۰۰۰ بیت از دیوان اثیراخیسکتی و نیز چند نسخه و مجموعه دیگر با مطابقه و مقابله متن دیوان چاپی با نسخ موصوف با تحریفات و تصحیفات فراوانی از ابیات این شاعر، روبه‌رو شده است که در زیر به برخی از تفاوت‌های متن چاپی استاد همایونفرخ با ضبط نسخه‌های در دسترس اشاره می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. تحریفات
۲. بدخوانیها و ناخوانیها
۳. تصحیحات قیاسی
۴. اغلاط چاپی
۵. جابه‌جایی، تعویض و ترکیب مصراعها

#### اشکالات و کاستیهای دیوان

#### تحریفات

ص ۳۹ بیت ۱۴:

به ولوغ گلاب در قلزم      از طهارت تهی نگرده آب  
در ضبط نسخه‌های کهن از جمله نسخه ۷۱۳ و نسخه ۱۰۳۹ می‌خوانیم:  
به ولوغ گلاب در قلزم      از طهارت تهی نگرده آب

واژه «ولوغ» به معانی آب خوردن سگ به اطراف زبان از ظرف و نیز درکردن زبان خود را در آن و جنبانیدن است (لغت‌نامه) و کلمه ولوغ که مصحح در لغت‌نامه دیوان آن را حریص شدن معنی کرده‌اند با مفهوم بیت ناسازگار است. این مضمون را خاقانی چنین بیان کرده است:

خود به ولوغ سگی، بحر نگرده نجس      خود به وجود خری، خلد نیابد وبا<sup>۴</sup>

(دیوان، ج ۱: ۵۷)

ص ۴۰ بیت دوازدهم

تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

دمنه تبعان ز بیم پنجه من      درفتاده چو شنزبه به خلاب:  
 در ضبط نسخه‌های موجود از جمله اقدم نسخ، این بیت چنین ضبط شده است:  
 دمنه تبعان زبیم پنجه من      درفتاده چو شتریه به خلاب:  
 ترکیب «دمنه طبع» به معنی دارای خوی و سرشت دمنه و فریبکار بودن (سجادی، ۵۳۸:۱۳۸۲) در اشعار دیگر اثیر به کار رفته است:  
 سردی هر دمنه طبع کرد مرا گرم لیک      شیر هنر پیشه/م بک ندارم ز تب  
 (دیوان: ۳۱)

و خاقانی نیز چنین گوید:

سراییم دمنه طبع و مرا طالع است اسد      من پای در گل از غم و حسرت چو شنزبه<sup>۵</sup>  
 (دیوان، ج ۱: ۱۲۴۱)

و در هر دو بیت از خاقانی و اثیر به اصل داستان و در گل ماندن شنزبه اشاره شده است. در **کلیله و دمنه** می‌خوانیم: «و با وی دو گاو بود یک را شنزبه نام و دیگر را نندبه و در راه خلایبی پیش آمد، شنزبه در آن بماند» (کلیله و دمنه، ۱۳۷۱: ۶۰).

ص ۵۸ بیت پنجم:

عقل بر نام قدر تو نرسد      زانکه نه قافله فلک دون است

۱۵۳



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۷، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۸

بیت به این صورت، نامفهوم و مغشوش است. در ضبط نسخه‌های کهن می‌خوانیم:

عقل بر بام قدر تو نرسد      زانکه نه پایه فلک دون است

در ادامه قصیده چنین می‌خوانیم:

آتش آفتاب را ز حمل      بهر طنز مزاج کانون است

به جای واژه بی‌ارتباط «طنز» در مصراع اخیر که در نسخه بدل مصحح ارجمند «طبع» ثبت گردیده، مطابق با قدیمیترین نسخه «طبخ» صحیح است.

ص ۹۱ بیت اول:

پیش تو میان بستم، چون رمح ز دینی      گوهر ز زبان رسته، چون تیغ مه‌ند

مصراع اول به همین صورت مبهم و مغلوط در متن چاپی مضبوط است. در ضبط نسخه‌های کهن می‌خوانیم:

پیش تو میان بستم چون رمح ز دینی      گوهر ز زبان رسته چو شمشیر مه‌ند

کلمه «رُدینی» منسوب به رُدینه، نام زنی است که نیزه درست می‌کرد (لغت‌نامه) و این

مفهوم با معنی بیت سازگار و «رمح زدینی» بی ارتباط است.

ص ۱۰۹ بیت دوم:

آنکه در هیجا به مار مقرعه با خصم ملک  
کار رمح خطی و تیغ مههد می کند  
در ضبط نسخه‌های قدیم و جدید دیوان، چنین می خوانیم:  
آنکه در هیجا به شیب مقرعه با خصم ملک  
کار رمح خطی و تیغ مههد می کند  
«شیب مقرعه» به معنی دنباله و رشته تازیانه است و در اشعار خاقانی نیز به کار رفته  
است؛ از جمله:

جنبید شیب مقرعه صبح هم کنون  
ترسم که نقره خنگ به بالا بر افکند  
(دیوان: ۱۳۳)

و در مصراع دوم اثر به جای «تیغ مههد»، «تیغ مهند» به معنی شمشیر هندی و شمشیر برنده جواهردار صحیح است.

ص ۱۱۰ بیت اول:

ماه اگر حمل سلاحش را نمی بندد نطق  
خور چرا داغ سیه فامش مزرد می کند  
در نسخه‌های تازه یافته چنین می خوانیم:  
ماه اگر حمل سلاحش را نمی بندد نطق  
خور چرا درع سیه فامش مزرد می کند  
درع مزرد، زره حلقه حلقه است (لغت نامه). «زرد به فتح اول و دوم، حلقه‌های خود  
و زره بود و زرد داخل شدن حلقه‌های زره است در یکدیگر» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۶۲).  
انوری گوید:

تا شکل گنبد فلک و جرم آفتاب  
چون درقه مکوکب و درع مزرد است  
(دیوان، ص ۵۶)

ص ۱۱۵ بیت هشتم:

جناب شاه قزل ارسلان که خدمت اوست  
سجودگاه جناب و مراغه جای خمود  
در ضبط نسخه‌های ۷۱۳ و ۱۰۳۹ هجری چنین می خوانیم:  
جناب شاه قزل ارسلان که خدمت اوست  
سجودگاه جناب و مراغه جای خمود  
«جباه» جمع جبهه به معنی پیشانیهاست و «خود» نیز جمع خدّ به معنی صورتها و  
چهره‌هاست و منظور از مراغه نیز به خاک غلتیدن است. در چهارمقاله می توانیم: «ایشان  
خود بی خاک مراغه کردند» (معین، ۱۳۷ ص ۳۰) قآنی گوید:  
به خاک بندگی او مزین است خود  
به داغ پیروی او موسم است جباه

تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

ص ۱۲۰ بیت چهارم:

گردون، زشرف بر آستان دوزد  
ور باز سخا در آستین دارد  
در نسخه ۷۱۳ و ۱۰۳۹ هجری دیوان، مصراع دوم چنین است: «دریا ز سخا در  
آستین دارد» و با توجه به مصراع اول، صحیح هم چنین است.

ص ۲۲۲ سطر نهم:

نگسلد چرخ پیرمان از بیخ  
که دو شاخیم و هر دو برماهیم  
صحیح بیت مطابق با نسخه ۷۱۳ و ۱۰۳۹ چنین است:  
نگسلد چرخ پیرمان از بیخ  
که دو شاخیم و هر دو برماهیم  
کلمه «برناه» که ساخت دیگری از «برنا» به معنی جوان است به علت بی‌دقتی کاتبان  
به صورت «برماه» و در نسخه بدل «پرمه» تحریف شده است.

ص ۲۲۶ سطر نهم:

مپسند آنکه شکایت رود از بخت مرا  
بلبلم خیره مفرمای به عیب زغنم  
در قدیمیترین نسخه از دیوان می‌خوانیم:  
مپسند آنکه شکایت رود از بخت مرا  
بلبلم خیره مفرمای نعیب زغنم  
کلمه «نعیب» به معنی بانگ زاغ و کلاغ (آندراج) با مفهوم بیت، سازگارتر است و  
این واژه بر اثر اشتباه ناسخان به صورت «به عیب» تحریف شده است.

بدخوانیها و ناخوانیها

ص ۵۰ یست ششم:

سوگند می‌خورم به حسام سرافکنت  
کاندر فضا خیال قضای مقدر است  
در همه نسخه‌های قدیم و جدید دیوان اثیر به جای واژه بی‌ارتباط «فضا»، «مضا» به  
معنی برندگی و تیزی (شمشیر) ضبط گردیده است. گفتنی است در نسخه اساس  
مصحح نیز «مضا» ضبط شده است که این تحریف از بدخوانیهای مصحح از اصل  
نسخه است.

ص ۵۵ بیت شانزدهم:

چون حسن وقت سخا زریاش است  
چون علی روز دغا کرار است  
در نسخه‌های قدیم و جدید دیوان این شاعر به جای «دغا»، «وغا» ضبط شده و  
صحیح هم، همین است؛ چرا که «دغا» به معنی نادرست و دغل با مفهوم بیت ناسازگار  
و «وغا» به معنی جنگ و کارزار با معنی بیت سازگاری دارد. گفتنی است این تحریف



در چند بیت دیگر از دیوان این شاعر، مشهود است و اگر به همین یک مورد ختم می‌شد، می‌توانستیم آن را از اغلاط چاپی دیوان به شمار آوریم (با اینکه مصحح سعی کرده تمامی متن را از اغلاط چاپی، خالی و عاری کند). در بیتی دیگر از این شاعر می‌خوانیم:

ز آب تیغ او حشر کرده است باد سست کوش      در دغا زآن شیر رایت را مؤبد می‌کند  
(دیوان: ۱۱۰)

و نیز این

در دغا باز مخالف شکن است      در سخن طوطی خوش گفتار است  
(دیوان: ۵۶)

که در هر دو بیت به جای «دغا»، «وغا» صحیح است و در نسخه اساس مصحح نیز وغا ضبط شده است.

ص ۶۶ بیت پنجم:

هم مالک دریاست زمین هم ملک کان      بر جای عظیم است ولی نیک ادا نیست  
تمامی نسخه‌های جدید و قدیم چنین است:  
هم مالک دریاست زمین هم ملک کان      بر جای غریم است ولی نیک ادا نیست  
«غریم» به معنی وامدار و بدهکار است (لغت‌نامه) و این مفهوم با مصراع ثانی سازگار است. گفتنی است در نسخه اساس مصحح نیز «غریم» ضبط شده که مصحح آن را «عزیم» خوانده است و سپس به «عظیم» بدل کرده و «عزیم» را به حاشیه برده است. چنین بدخوانی و تحریفی در بیتی دیگر از دیوان این شاعر نیز مشهود است:  
ای دام رزق را به سخا، دست تو عزیم      وی عمر ملک را به بقا، کلک تو ضمان  
(دیوان: ۲۵۹)

و مطابق با اقدام نسخ، صحیح بیت چنین است:

ای وام رزق را به سخا، دست تو غریم      وی عمر ملک را به بقا، کلک تو ضمان  
ص ۱۰۱ بیت هشتم:

بازو و برزت قوی بادا که چنگال اجل      فقر را در پای آن، دست توانگر می‌کشد  
در نسخه ۷۱۳ و ۱۰۳۹ به جای مصراع اول چنین ضبط شده است: «بازوی برت قوی بادا که چنگال اجل...» و مصحح برت را «ناز وی برت» خوانده و به حاشیه دیوان برده است.



تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

ص ۱۳۷ بیت هفتم:

تو شادی زی که فرو برد بد سگال تو را خیال کین تو چون ازدهای جان ادبار  
بیت به همین صورت مبهم و مغلوط در متن دیوان چاپی ضبط شده است. در  
نسخه‌های ۷۱۳ و ۱۰۳۹ هجری چنین می‌خوانیم:

تو شادی زی که فرو برد بدسگالان را خیال کین تو چون ازدهای جان اوبار  
کلمه «اوبار» که در متن چاپی با بدخوانی به صورت «ادبار» ثبت شده از مصدر  
«اوباردن» و «اوباریدن» به معنی بلعیدن و فروبردن است و چنین تحریفی در بیت زیر از  
دیوان اثیر نیز مشهود است:

مثال تیغ که بود آسمان کوکب سوز خیال رمح که بود ازدهای کوه ادبار  
(دیوان: ۱۷۳)

گفتنی است در بیت دیگر از اثیر چنین می‌خوانیم:

هر آنکه درشکند با تو کین به کاسه سر به یک پیاله بیوباردش دهان سعیر  
(دیوان: ۱۴۱)

که این بیت نیز در بیشتر نسخه‌های موجود (از جمله نسخه اساس مصحح) چنین  
آمده است:

هر آنکه درشکند با تو کین به کاسه سر به یک پیاله بیوباردش دهان سعیر  
و مصحح «بیوباردش» را به اشتباه «بیوماردش» خوانده است. گفتنی است ترکیب  
«جان اوبار» در بیت مورد بحث در دیوان خاقانی نیز به کار رفته است:

مار کز روی زهد خاک خورد ریزد از کام زهر جان اوبار  
(دیوان: ۱۹۶)

ص ۱۸۵ سطر نهم:

این بار خصل بفکن و دست گرو ببر گستاخ داو خواه و تمام مذب بباز  
به‌جای واژه بی‌ارتباط «مذب» در همه نسخه‌های موجود «ندب» ضبط شده و  
صحیح هم، همین است. «ندب» داو کشیدن بر هفت در بازی نرد است و آن را به عربی  
عذرا خوانند چون از هفت بگذرد و به یازده رسد، آن را تمامی ندب و داو فره گویند  
(آندراج) و شاعر با مراعات‌النظیر، ارتباط خصل، دست، گرو، داو و ندب باختن را در  
نظر داشته است. این تحریف از بدخوانی نسخه مصحح است؛ چرا که در نسخه اساس  
مصحح (مکتوب به سال ۱۲۶۱) نیز «ندب» به کارفته است.

ص ۳۰۵ سطر ششم:

تو را حمایل شمشیر بس قوی حرزی است ز شر مندل این جاودان نیرنگی  
بیت به همین صورت مغلوط و مبهم در متن دیوان ثبت شده اما در نسخهٔ اساس  
مصحّح، بیت چنین است:

تو را حمایل شمشیر بس قوی حرزی است ز شر تنبل این جاودان نیرنگی

واژهٔ «تُنْبُل» به معنی مکر و حيله (آندراج) با مفهوم بیت سازگاری دارد. همچنین  
«جاودان» مغلوط و «جاودان» به معنی جادوگران صحیح است. گفتنی است در نسخهٔ  
اساس مصحح نیز بیت به صورت صحیح ضبط شده و این تحریف نیز از بدخوانیهای  
مصحّح از اصل نسخه است.

تصحیحات قیاسی

ص ۱۱۹ سطر هفتم:

بی‌یاد تو هر حرف که در گام بجنبد حقا که گزاینده‌تر از نوک غسل شد

گفتنی است قصیده‌ای که این بیت در آن مندرج است، فقط در یک نسخ در  
دسترس مصحح وجود دارد و چنانکه مصحح در حاشیه قصیده نوشته‌اند، تصحیح  
قیاسی شده و اصل در ذیل صفحه آورده شده است (دیوان: ۱۱۷). در نسخه اساس  
مصحح به جای «غسل»، «عمل» به کار رفته و مصحح آن را با تصحیح قیاسی به  
«غسل» بدل کرده‌اند که آن هم غلط است. در اقدام نسخ و نیز نسخه ۱۰۳۹ هجری  
«اسل» به معنی تیر و نیزه (لغت‌نامه) ضبط شده که صحیح هم، همین است.

ص ۱۲۰ بیت دوازدهم:

درکان جهان گرفت اشعارش چون نام ثنات بر نگین دارد

این بیت نیز در قصیده‌ای مندرج است که تنها در یک نسخه از نسخ در دسترس  
مصحّح ثبت بوده است و چنانکه اشاره کرده‌اند، اصطلاحات قصیده از جمله بیت مزبور  
قیاسی است (دیوان: ۱۲۰). در نسخه اساس مصحح به جای «ثنات»، «ثبات» ضبط بوده که  
آن را اشتباهاً به «ثنات» بدل ساخته‌اند. در نسخه‌های قدیم دیوان این بیت چنین است:

انکار جهان گرفت اشعارش چون نام ثبات بر نگین دارد

ص ۱۴۶ سطر ششم:

تا فلک ضبط نظام کل به کلکش باز است اولین مضبوط قطمیر است و میرد تا نفیر

مصراع دوم در نسخه ۷۱۳ و ۱۰۳۹ هجری چنین است: «اولین مضبوط قطمیر است

تصحیح چند بیت از دیوان اثیر احسیکتی

و میرو تا نقیر».

«نقیر و قطمیر دو لفظ است که در عربی کنایه از چیز بسیار کوچک و بی قدر و کم ارزش است» (حواشی مینوی بر کلیله و دمنه، ۱۳۷۱: ۳۰۸).

اغلاط چاپی

با اینکه مصحح کوشیده است متن دیوان از اغلاط چاپی خالی باشد، اغلاط فراوانی در متن دیوان مشهود است؛ برای نمونه به دو مورد اشاره می شود:

ص ۱۴۷ بیت دوم:

کی جمد با قله تو دیدار با چشم کحیل کی رسد در مدح تو گفتار با پای قصیر

در نسخه های قدیم و جدید چنین می خوانیم:

کی جمد با قدر تو دیدار با چشم کلیل کی رسد در مدح تو گفتار با پای قصیر

ص ۱ سطر یازدهم:

خجسته خامه تو خندق حوادث را هزار جسر بسته به رخم چرخ حسود

گفتنی است قافیه بیت با قوافی قصیده ناسازگار است (منشور، دبور و...). در جمیع نسخ از جمله نسخه اساس مصحح «حسود»، «جسور» مضبوط است.

#### جابه جایی، تعویض و ترکیب مصراعها

دسته ای از اشکالات ابیات این دیوان، مواردی است که مصراع یا مصاریعی ساقط شده و بقیه چنان خلط و یا جا به جا گردیده که معنی ابیات را مغشوش و مختل ساخته است؛ برای نمونه، می توان به چند بیت زیر اشاره کرد.

ص ۱۱۶ سطر یازدهم:

از این جواهر منظوم دهر بی خبر است عقول شیفته را این گران خراج عقود

در نسخه ۹۹۶ و ۱۰۲۰ هجری می خوانیم:

خراج هر دو جهان ارزد این عقود کهن عقول شیفته این گران خراج عقود

از این جواهر منظوم دهر بی خبر است وگرنه پیش کشیدی خزاین منضود

چنانکه مشهود است، مصراع اول بیت و مصراع دوم بیت ثانی از قلم افتاده و از مصاریع باقی مانده، بیتی نامربوط ساخته شده است.

ص ۱۸۱ سطر نهم:

خدایگان نپسندند، بایش بودن نه در حیات مجرد پس از وفات نشور



بیت به همین صورت مبهم و مغشوش در متن دیوان چاپی، ثبت گردیده و هیچ نسخه بدلی نیز برای آن ذکر نشده است. این بیت هم از ابیاتی که به دلیل خلط دو بیت، بیتی مغشوش و مبهم ساخته شده است. در ضبط نسخه‌های تازه یافته بیت چنین می‌خوانیم:

خدای نپسندد که بنده خود را      کند معاتب فرمان به عقل نامقدور  
وگر پسندد بنده بآیدش بودن      نه در حیات مجرد پس از وفات نشور  
ص ۲۱۲ سطر هفدهم:

ز خوان اشرف یک بیت زله بگیریم      ز پرده‌های فلک بگذرد و فغان کرم  
چنانکه می‌بینیم مفهوم بیت مبهم و مغشوش است. صحیح، مطابق نسخ موجود چنین است:

زخوان اشرف یک بیت زله بگیریم      اگر چه نیست خوش آن لقمه در دهان کرم  
«به بوی و کرم خان و مان رها کردم      که روی فضل سیه باد و خان و مان کرم»  
اگر ز چهره این رمز پرده بگیریم      ز پرده‌های فلک بگذرد فغان کرم  
ص ۲۹۱ بیت دوم:

افلاک را غلام سگ کوی خود نویس      سرمایه نثار به دست سحاب ده  
مطابق نسخه‌های موجود، صحیح بیت چنین است:

افلاک را غلام سگ کوی خود نویس      تعریف نامه شرفش زین خطاب ده  
تا طلیسان مشتری از دوش درشکند      سرمایه نثار به دست سحاب ده  
ص ۳۰۰ بیت نهم:

دندان کنان فلک بریده است بیخ او      پس هر که بزمگاه و چه دندان گزیده‌ای  
مصراع دوم بیت با تعویض و تحریف درآمده است. در بیشتر نسخه‌ها چنین می‌خوانیم.

#### نتیجه

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که با اینکه دیوان اثیرالدین اخسیکتی، شاعر نام‌آور قرن ششم هجری و قصیده‌سرای برای معروف زبان فارسی در سال ۱۳۳۷ هجری توسط استاد رکن‌الدین همایونفرخ به صورت مجموعه‌ای مدون تصحیح شده و به چاپ رسیده به دلایل زیر، اشعار دیوان با تحریفات و کاستیهای فراوان همراه است:

تصحیح چند بیت از دیوان اثیر اخسیکتی

الف) کم بودن نسخ در دسترس مصحح با وجود با وجود نسخه‌های متفاوت از دیوان این شاعر  
ب) متأخر بودن نسخه‌های مورد مقابله در تصحیح و نامستند بودن این نسخ  
ج) عدم تدقیق نسخ و کاتبان در استنساخ نسخه‌های متأخر  
د) تحریفات و تصحیفات فراوان در نسخه چاپی دیوان  
ه) اسقاطات و ابهامات، اغلاط و تعقیدات ابیات فراوان در دیوان  
و) بدخوانیها و ناخوانیهای متعدد از اصل نسخه در دسترس مصحح  
ز) ترکیب دو بیت در یک بیت با واافتادگی مصارح سوم و چهارم  
ح) حذف و جابه‌جایی بسیاری از ابیات در اثنای قصاید دیوان با مطابقت با نسخه‌های متقدم

#### پی‌نوشتها

۱. کارل لاکمان (Karl Lakhman)، دانشمند و منتقد مشهور در قرن نوزدهم و از نخستین پژوهشگران حوزه تصحیح متون
۲. برای مزید آگاهی از این نسخه و دیوانهای این نسخه به مقدمه دیوان ادیب صابر تصحیح نگارنده این سطور مراجعه شود.
۳. گفتنی است این اغلاط، هیچ کدام در غلط نامه دیوان چاپ استاد همایونفرخ تصحیح نشده است.
۴. در دیوان خاقانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، مصراع اول چنین است: «خود به حضور سگی بحر نگرده نجس»
۵. در دیوان خاقانی تصحیح دکتر سجادی در هر دو مورد به کار رفته، «کلمه شزیه» به صورت «شتریه» ثبت شده است و نسخه بدل هم ندارد (رک). دیوان: ۷۲۰ و ۹۲۰ و نیز فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی: ۹۰۱).

#### منابع

۱. آذر بیگدلی، لطف علی بیگ؛ آتشکده آذر؛ تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲. اخسیکتی، اثیرالدین؛ دیوان، تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: رودکی، ۱۳۳۷.
۳. ادیب صابر ترمذی، شهاب‌الدین، دیوان؛ تصحیح احمدرضا یلمه‌ها، تهران: نیک‌خرد، ۱۳۸۵.
۴. انوری ابیوردی، اوحدالدین؛ دیوان؛ به تصحیح مدرس رضوی، چ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۵. پادشاه، محمد؛ فرهنگ آندراج؛ به کوشش دکتر دبیر سیاقی، تهران: خیام، ۱۳۶۴.

۶. جبلی، عبدالواسع؛ دیوان؛ تصحیح ذبیح‌الله صفا، چ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۷. خاقانی شروانی، افضل‌الدین؛ دیوان؛ به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، چ پنجم، تهران: زوآر، ۱۳۶۸.
۸. \_\_\_\_\_؛ دیوان؛ ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، دو مجلد، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۹. خلف تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع؛ به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۰. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
۱۱. دولت‌شاه سمرقندی؛ تذکره الشعرا؛ تصحیح محمد رضانی، چ دوم، کلاله خاور، ۱۳۶۶.
۱۲. سجادی، سیدضیاء‌الدین؛ فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی؛ چ دوم، تهران: زوآر، ۱۳۸۲.
۱۳. شهیدی، سیدجعفر؛ شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی؛ چ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۴. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران؛ چ سزدهم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۲۷۳.
۱۵. فروزانفر، بدیع‌الزمان؛ سخن و سخنوران؛ چ دوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰.
۱۶. مایل هروی، نجیب؛ نقد و تصحیح متون؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۱۷. \_\_\_\_\_؛ تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی؛ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۰.
۱۸. معین، محمد؛ شرح لغات چهار مقاله؛ تصحیح علامه قزوینی، تهران: جامی، ۱۳۷۲.
۱۹. منزوی، احمد، فهرست نسخ خطی فارسی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی - منطقه‌ای، ۱۳۴۹.
۲۰. منشی، نصرالله؛ کلیله و دمنه؛ تصحیح مجتبی مینوی، چ دهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۱. نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی؛ تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴.
۲۲. هدایت، رضا قلی خان؛ ریاض‌العارفین؛ به اهتمام عبدالحسین محمود خوانساری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۰۵.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ مجمع الفصحا؛ به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۹.
۲۴. یاحقی، محمدجعفر؛ راهنمای نگارش و ویرایش؛ مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.